

دوشنبه  
۲۴ آذرماه ۱۳۹۳  
۲۲ صفر ۱۴۳۶  
۱۵ دسامبر ۲۰۱۴  
سال بیستم  
شماره ۵۸۱۷

**شترک**

۱۲

### دیدگاه

### رنجی که می‌بریم

◀ **علی غفوری** |

وقتی درباره مشکلات روزمره صحبت می‌کنیم شاید نکات مختلفی به یاد ما بیاید گرانی، بیکاری، آلودگی هوا، بیماری و خرج درمان، مشکلات اجتماعی و... ممکن است هر کدام از ما درگیر یک یا چند مشکل هم‌زمان باشیم اما یک مشکل با بهتر بگویم یک بحران است که امروز همه با آن دست به گریبانیم؛ ترافیک. ترافیک مشکلی است که بزرگ و کوچک، ثروتمند و فقیر، شمال شهری و جنوب شهری، تهرانی و مشهدی، بنزسوار و موتورسوار نمی‌شناسد؛ همه درگیر آن هستند. همه در اثر تصادفات عریزی را از دست داده یا حادثه‌دیده‌ای را در اقوام و آشنایان دارند، اما واقعاً در حال مثل مشکل ترافیک هستیم یا با آن کنار آمده‌ایم؟

بسا ترافیک نمی‌توان کنار آمد چرا که به شکل غیرمستقیم روی همه رفتارهای ما اثر می‌گذارد. ترافیک انسان‌ها را اکلافه، عصبی، مهاجم و حتی بی‌گشت می‌کند. ترافیک اخلاقی جامعه را بدتر از هر نوع بزهکاری یا سوء رفتار به قهقرا می‌برد. آیا با این توصف باید ترافیک را تحمل کرد؟ چه سالسان‌های خوب و باوجدان که هنگام سوار شدن بر مرکب آهنین، مبدل به موجوداتی خونسرد و بی‌رحم می‌شوند که حتی اجازه عبور یک مسردوزن سالخورده را از عرض خیابان آن هم از خط خطر پیاده نمی‌دهند. برآسانی چرا؟ آیا انسان‌هایی که مدتین هستند نمی‌دانند این کار با اصول و آموزه‌های دینی متعارض است؟ آیا آنها که خود را خارج رفته‌وه و متمدن قلمداد می‌کنند، نمی‌دانند گردش‌های ناگهانی به چپ و راست، بریدن راه دیگران و بیوق زدن‌های بی در می همگی بی‌احترامی به حقوق دیگران است و در همه کشورها شامل جرایم رانندگی است؟ آیا در سفر به سایر کشورهای پیشرفته تحت تأثیر رانندگی آنها قرار نگرفته‌اند؟ حتی در تریه فرهنگ رانندگی در سال‌های اخیر بدشت تغییر کرده است!

اما چرا این گونه رانندگی می‌کنیم؟ من مطمئنم ایرانیان جزو متمدن ترین ملل دنیا هستند و برای این ادعای خود صدها دلیل دارم که جای آن در این یادداشت نیست اما بی شک ضعف مدیریت ترافیک دلیل اصلی این رفتار اشتباه است نه اینکه بخواهم مشکل را گردن پلیس راهور بیندازم، که می‌دانم این واحد پلیس بی شک زحماتش ترین بخش نیروی انتظامی است که شاید شناس کمتر در خطر باشد اما فرسودگی پرسنل آن در معابر شهری شدید و به نوعی مرگ تدریجی است. اعصاب یک ستوان راهنمایی و رانندگی بی‌شک در عتفوان جوانی «تابود شده است». مدیریت راهنمایی و رانندگی کشور به نوعی «یک مدیریت ملی» است. دولت، شهرداری، رسانه‌ها، پلیس و حتی نیروهای مسلح همگی باید در این مدیریت همکاری کنند. اگر تنها از یک افسر راهنمایی و رانندگی به تنهایی انتظار بهبود اوضاع را داشته باشیم نشاندهنده عدم شناخت پیچیدگی ترافیک است. پلیس، انسانی مشابه سایر شهروندان است که نمی‌تواند به تنهایی با هزاران راننده خشمگین طرف شده و همه را وادار به اطاعت کند. چرا بر خورد با یک راننده متخلف در جاده خلوت ساده است؟ چون او حتی فکر فرار از دست خودروی آماده تعقیب پلیس را نمی‌کند اما همین راننده در کنار صدها راننده متخلف دیگر در چهار راه‌های شلوغ می‌داند که پلیس قادر به شناسایی یا تعقیب او نیست. اگر بپذیریم که امروز ترافیک یک بحران ملی است باید با آن نیز با تمام قوا برخورد کنیم. اگر لازم باشد پرسنل سایر نیروها نیز باید به کمک پلیس راهنمایی و رانندگی بیایند. آیا در برخورد با یک مشکل یا تهدید خارجی، یک لشکر برای دفع دشمن به حرکت در نمی‌آید؟ آیا امروز تهدید ترافیک بسر روح، روان و حتی اقتصاد کشور کمتر از حمله خارجی نیست؟ مرگ؟ ۲۷ تا ۲۸ هزار انسان رقم قابل توجهی است که ارزش بسنج نیروها برای حل مشکل را دارد.

زمانی سالانه ۵۰ تا ۷۰ هزار خودرو و حدود ۸۰ هزار موتورسیکلت در کشور تولید می‌شد اما این رقم در سال‌های اخیر به یک تاختی ۱/۶ میلیون دستگاه خودرو و صدها هزار موتورسیکلت در سال رسیده است. ضرب بر خودروی مردم از خودرو و موتورسیکلت اکنون به آنجایی رسیده که هر خانوار ایرانی حداقل یک یا دو وسیله نقلیه موتوری در اختیار دارد. اکنون آیا اگر تعداد خودرو و موتور سیکلت کشور از حدود ۲ میلیون دستگاه در دهه ۶۰ به ۲۰ میلیون دستگاه در دهه ۹۰ رسیده آیا سازمان نیروهای راهنمایی و رانندگی نیز به همان اندازه بزرگ تر شده است؟ باید بگویم که امروز ترافیک در معنای دقیق کلمه (حمل و نقل و رفت و آمد) مشکل تنها تهران نیست. اصفهان، شیراز، مشهد، اهواز، بندر عباس، تبریز و حتی شهرهای کوچک ایران از ضعف نظارت رنج می‌برند و میلیون‌ها راننده دیگرنمایی به رعایت قوانین نثارند. نباید از همه فراماندهم در تبط توضیح خواست و مشکلاتشان را بر طرف کرد. اگر کشور برای هزاران طرح ریز و درشت اقتصادی، دفاعی، بهداشتی، فرهنگی و غیره بودجه دارد پس نباید به مهمترین معضل امروز ایران «ته» بگوید. توسعه سریع تر، افزایش پرسنل راهنمایی و رانندگی، توسعه خطوط اتوبوسرانی، بهبود جاده‌ها و بزرگراه‌ها همگی باید در دستور کار قرار گیرد. بر سنل زحمتش باید شناسایی شده و پرسنل بی‌انگیزه مجدداً تحت آموزش قرار گیرند. افسران و درجه دارانی که قانون در خون آنهاست و خوشبختانه در ناجا کم نیستند باید به عنوان نیروهای خط مقدم حاضر باشند. اگر عمری باقی بود در سلسله مطالبی به عنوان یک شهروند به موارد شایع تخلفات رایج راهنمایی و رانندگی خواهم پرداخت.

### دستگیری

### آهنگساز سابق

### شبکه رادیویی

### امریکا به اتهام

### کودک آزاری



**گروه شوک** – خبرنگار ایران در گرگان: هنوز باور

ندارند تهدیدهای مرد کینه‌جو آتش به جانشان نشانده و رنگ واقعیت به خود گرفته است.

داماد بدرفتارشان وقتی دختر ۱۹ ساله‌شان را طلاق داد دست از مزاحمت‌هایش نکشید تا اینکه یکی از هولناک ترین جنایات در شهر گرگان را رقم زد.

صحنه قتل که پوریا ۲۳ ساله سه‌شنبه هفته گذشته پشت چراغ قرمز خیابان ولیعصر گرگان به تصویر کشید نه تنها رهگذران و مغازه‌داران بلکه مقامات قضایی و پلیسی این شهر شمالی را شوکه کرد.

جنبیتی برادر فائزه در مراسم عزاداری‌ای که در روستای کفش گیری برپا است هنوز با ناباوری از قتل خواهرش می‌گوید. وی به خبرنگار اعزامی ایران گفت: ساعت ۸ صبح خواهرم راهی آرایشگاه محل کارش بود، انگار پیش از رسیدن به آنجا داماد سابق‌مان را از دور دیده و از آنجایی که بارها توسط پوریا تهدید به مرگ شده بود سراسیمه راه را عوض کرده و سوار تاکسی دیگری شده است تا به سمت مرکز شهر فرار کند ولی زمانی که در ترافیک سنگین خیابان ولیعصر گرفتار می‌شود با ترس از تاکسی پیاده شده و پیاده شروع به فرار می‌کند. پوریا هم که با خودروی دیگری خواهرم را تعقیب کرده پیاده شده و به سمت فائزه می‌دود و در حالی که فریاد می‌زد کسی جلو نیاید و موضوع خانوادگی است وسط خیابان و لایه‌لای خودروها با سه ضربه شدید چاقو به گردن و پشت، فائزه را هدف قرار می‌دهد و هنگام فرار توسط یک راننده تاکسی و مردانی که او را تعقیب می‌کردند، دستگیر شد.

مجتبی آهی کشید و با اشاره به بارها تهدید به مرگ خواهرش توسط پوریا گفت: شش ماه بود پوریا باار سال پیامک یا تماس تلفنی و حضوری مزاحمت و تهدیدهای خود را ادامه می‌داد. فائزه سه سال پیش به عقداو در آمد و در این مدت مرتب از شوهرش کتک می‌خورد، فائزه ماه‌های نخست حرفی از این بدرفتاری‌ها نمی‌زد و مدارا می‌کرد. بعدها او از شنیدیم

# رهایی از مجازات مرگ قاتل نوجوان

گروه شوک: پسر نوجوانی که در قتل دوستش به قصاص نفس محکوم شده بود با بخشش بزرگ نجات یافت. سوم آذرماه سال ۸۷ مأموران کلانتری مهرشهر کرج هنگام گشتزنی در محدوده درمانگاه مهرگان با سه سرنشین موتورسیکلت که رفتارهای مرموزی داشتند برخورد کردند.

دقایقی نگذشته بود که مأموران کلانتری دیدند یکی از پسران موتورسوار خلود و بی‌هوش است. جوان خون آلود با برانکار در داخل درمانگاه انتقال یافت اما خیلی دیر

شده بود و وی تسلیم مرگ شد. بدین ترتیب دو نوجوان دیگر که «امیر» و «صغیر» نام دارند تحت بازجویی قرار گرفتند و پسرده از راز بلافاصله یوسف را سوار موتورسیکلت کردیم تا به درمانگاه بیاوریم. گزارش، در حالی که این نوجوان در آستانه اعدام قرار گرفته بود با تلاش خیره‌به دانشجویی امام علی(ع) و بازپرس ویژه قتل دستور دستگیری عامل جنایت را صادر کرد و خیلی زود وحید دستگیر شد.

این پسر در بازجویی‌ها گفت:

**گروه شوک:** آهنگساز سابق شبکه رادیویی در امریکا به اتهام کودک آزاری و شکنجه یک پسر بچه ۱۱ ساله دستگیر شد. به گزارش پلیس «جان‌بالیو»ی ۳۶ ساله در ظاهر جوان آرام و خوش برخوردی بود که هیچ‌کس از او خشونت‌نی ندیده بود اما قاضی پرونده که او را «گوسفندی در لباس گرگ» می‌داند معتقد است این مرد مشکلات روحی روانی داشته و با شخصیت دوشم به خشونت وحشیانه‌ای علیه کودکان می‌پرداخت. پلیس می‌شبیگان می‌گوید: این جوان شیطان صفت را دو هفته پس از مراسم ازدواجش در یک عملیات دستگیری اعضای یک باند تهیه فیلم‌های پورنوگرافی از کودکان بازداشت کرده است. مأموران در جریان بازرسی در خانه این مرد ابزار آلات شکنجه از جمله ۱۰۷ زیپ، چندین دستکش چرمی، دو دستبند پلیس، زنجیر و چسب پهن برای بستن دهان و دست‌های کودکان و مجموعه‌ای از تصاویر

## خانواده سیاهپوش فائزه خواستار شدند



می‌خواهیم ماجرا را دقیق بررسی کنند و موضوع قتل زنی بی‌گناه که در صحنه‌ای دلخراش در روز روشن جلوی دید

همسگان به قتل رسیده را ویژه رسیدگی کنند. این برادر گریان ادامه داد: پوریا خواهرم را در مسیر مدرسه دیده و به خواستگاری‌اش آمد که زیاد راضی به این ازدواج نبودیم چرا که وی نه تنها فقر مالی داشت، بلکه فرهنگ درست و حسابی‌ای نیز نداشت و دلیل رفتارهای قاتل همین‌ها بود. پوریا زمانی نگهبان بازار چه نعلبندان بوده و در شرط‌بندی فوتبال شرکت و در قهوه‌خانه‌ش کار می‌کرد و به خاطر شرارت پرونده نیز دارد. مادرم این روزها آرامش ندارد اما پدرم صبورانه این داغ را غ تحمل می‌کند تا خانواده‌مان را حفظ کند ولی همه ما ناراحت هستیم چرا که صحنه‌هایی از این جنایت خشن در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده و ما با دیدن لحظات آخر عمر فائزه لطمه روحی عمیقی خوردیم.

وی در پایان گفت: می‌خواهیم پوریا در همان محل جنایت اعدام شود تا درس عبرتی برای کسانی باشد که عاطفه در وجودشان مرده است.

بنابر این گزارش، عامل این جنایت در بازجویی‌های قضایی و پلیسی جزئیات قتل را به گردن گرفته است و به گفته دادستان گرگان به صورت فوق العاده محاکمه شده و به مجازت خواهد رسید.

## بخش بزرگ

## در ثانیه ۱۴ مراسم اعدام

مرد قاتل پس از ۱۴ ثانیه دست و پنجه نرم کردن با مرگ، زندگی دوباره پیدا کرد. این مرد که شش سال پیش در درگیری با یکی از روستاییان اطراف کازرون استان فارس یک مرد را به قتل رسانده بود صبح روز جمعه برای اجرای حکم قصاص به پای چوپه دار رفت. ۱۴ ثانیه پس از اجرای حکم در حالی که دست و پای آخر برای قبض روح شدن را می‌زد توسط خانواده قربانی بخشیده شد. خانواده حکم ده‌ا دگر جوانشان را تا ابد بر دلشان خواهند داشت در رابطه با بخشش قاتل فرزندشان گفتند: وقتی در این روزهای عزاداری در مراسم اعدام حاضر شدیم، احساس کردیم امام حسین(ع) بخشش را به دلمان انداخته است به همین خاطر در تصمیمی ناگهانی با همسرم رضایت دادیم.

## پایان باجگیری‌های سرهنگ قلابی پلیس

راز کلاهبرداری‌های سرهنگ قلابی در امل فاش شد. فرمانده پلیس امل از اقدام بموقع مأموران در شناسایی و دستگیری یک مرد که در پوشش مأمور در این شهر از مردم اخاذی و کلاهبرداری می‌کرد، خبر داد. سرهنگ «ولی‌اله گنجیان» گفت: در پی گزارش‌ی مبنی بر اینکه مردی به نام «طیب» با نام مستعار سرهنگ «طاها» تحت پوشش مأمور پلیس از طعمه‌هایش اخاذی و کلاهبرداری می‌کند، موضوع به طور ویژه در دستور کار مأموران قرار گرفت.

وی افزود: مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و تحقیقات پلیسی، مخفیگاه این مأمور قلابی را در یکی از مناطق شهری شناسایی کردند. فرمانده پلیس امل تصریح کرد: مأموران با دستور قضایی در عملیاتی غافلگیرانه سرهنگ قلابی را دستگیر کردند و در بازرسی از خانه وی موفق شدند اسبری فلزی، جلد کلت کمری، لباس یگان امداد ناجا با درجه سه سروانی و دو بی‌سیم دستی را کشف کنند. سرهنگ گنجیان اضافه کرد: این پلیس قلابی با قرار ۲۰۰ میلیون تومانی روانه زندان شد.

غیراخلاقی بچه‌ها را پیدا کرده‌اند. در میان وسایل این مرد یک مانکن کودک نیز بود که ظاهرآ متهم روش‌های مختلف آزار و اذیت را روی آن آزمایش می‌کرد. علاوه بر این مدارک «بالیو» ال‌بومی داشت که با عنوان «پسران شیرین» نامگذاری کرده بود و در آن تصاویر پسر ۱۱ ساله‌ای که نخستین قربانی‌اش بود قرار گرفته بود. این مرد ۳۶ ساله که با جنونی هولناک در یک قتل به جان پسر خردسال افتاده بود لیست بلندبالایی از قربانیانش تهیه کرده بود که با هشپاری پلیس بموقع دستگیر شد. در حال حاضر قاضی پرونده با بررسی شواهد او را به ۴۰ سال حبس محکوم کرده است. ضمناً نام «بالیو» به لیست مجرمان جنسی افزوده شده و او پس از آزادی با ردیاب همواره کنترل خواهد شد. عروس جوان این شکنجه‌گر شیطان صفت پس از دستگیری همسرش در حالی که باردار بود تقاضای طلاق کرد.

## سقوط دردناک نذافتچی از سقف

### پارکینگ دانشگاه

**گروه شوک:** سقوط کارگر خدماتی از سقف پلاستیکی پارکینگ دانشگاه آزاد، سرنوشت دردناکی را برای وی رقم زد. حوالی ظهر چهارشنبه هفته گذشته بود که یکی از کارگران خدماتی دانشکده علوم اجتماعی واحد تهران مرکز دانشگاه برای نظافت سقف پلاستیکی یکی از پارکینگ‌ها روی سقف آن رفت که با شکستن ناگهانی قسمتی از این سقف، کارگر جوان از ارتفاع سه متری سقوط کرده و با صدمات شدیدی مواجه شد. این کارگر بلافاصله از محل حادثه در ابتدای خیابان دمانود به بیمارستان بوعلی منتقل شد و تحت مداوای اورژانس قرار گرفت.

## بازداشت دزد فروشگاه‌های زنجیره‌ای

**گروه شوک** – **سهیل سعادتمندی**: دزد فروشگاه‌های زنجیره‌ای رابط کریم از سوی پلیس دستگیر شد. فرمانده انتظامی رابط کریم گفت: مأموران پلیس پس از دستگیر کردن این دزد که در حال سرقت از یک فروشگاه زنجیره‌ای بود وی را تحت بازجویی گرفتند.

سرهنگ «جعفر علیزاده» با اعلام این خبر گفت: دزد حرفه‌ای در این تحقیقات به ۱۰ ساعت فروشگاه زنجیره‌ای در رابط کریم و اسلامشهر اعتراف کرد. این مقام پلیسی همچنین از دستگیری یکی از اراذل و اوباش در رابط کریم خبر داد و گفت: این شرور به جرم حمله‌های خونین به مردم تحت تعقیب قضایی بود که با تلاش مأموران پلیس امنیت عمومی بازداشت شد.

دادش در ادامه افزود: مأموران در پی شکایات گروهی از اهالی محله سفیدار رابط کریم به مراجع قضایی مبنی بر ایجاد مزاحمت توسط یک شرور و ایجاد درگیری، عریده‌کشی و ضرب و جرح از سوی وی سر‌بعاً موضوع را در دستور کار خود قرار داده و با تشکیل یک تیم عملیاتی وارد عمل شدند. فرمانده پلیس رابط کریم در تشریح این خبر گفت: مخفیگاه این مرد در همان محله شناسایی و در عملیاتی ضربتی وی در مخفیگاهش دستگیر شد. وی در بازجویی‌ها جرایم خشن خود را پذیرفت و روانه زندان شد.

## جعل‌های فریبکارانه با شناسنامه مردگان

اعضای باندی که با شناسنامه مردگان به جعل‌های فریبکارانه دست می‌زدند به دام افتادند. فرمانده پلیس گلستان از دستگیری چهار جاعل و کشف ۲۶ جلد اسناد هویتی جعلی توسط مأموران پلیس امنیت عمومی خبر داد. سردار «سعیدمحمود میرفیضی» با اعلام این خبر گفت: مأموران پلیس امنیت عمومی علی‌آبادکنول پس از مدت‌ها کار اطلاعاتی چهار عضو یک باند جعل اسناد هویتی را دستگیر کردند.

وی گفت: اعضای این باند با جعل شناسنامه مردگان و اغفال خانواده آنان اقدام به صدور اسناد هویتی جعلی از قبیل شناسنامه، کارت ملی و دفترچه خدمات درمانی می‌کردند.

این مقام ارشد پلیسی گفت: با هماهنگی قضایی محل فعالیت اعضای این باند شناسایی و متهمان در چند عملیات غافلگیر کننده پلیسی دستگیر شدند. فرمانده پلیس گلستان تصریح کرد: در بازرسی از خانه‌های این جاعلان تعداد ۲۶ جلد اسناد جعلی از قبیل شناسنامه، کارت ملی، گواهینامه و گذرنامه کشف شد. وی در پایان با اشاره به ادامه تحقیقات تکمیلی توسط مأموران پلیس امنیت عمومی خاطرنشان کرد: متهمان روانه زندان شدند.

## محاصره کلاهبردار فراری در قرار با خانواده‌اش

عامل کلاهبرداری میلیاردی در پوشش واگذاری خودروهای اقساطی وقتی به ملاقات خانواده‌اش رفت، دستگیر شد. با تلاش مأموران پلیس آگاهی پاسارگاد استان فارس این شید که از طعمه‌هایش یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال به جیب زده بود، دستگیر شد. سرهنگ «کرام الله گودرزی» فرمانده پلیس پاسارگاد گفت: در پی شکایات‌های مشابه در خصوص کلاهبرداری از آنان، موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. وی با بیان اینکه پس از بررسی‌های ابتدایی مشخص شد مرد شید متواری شده و به استان تهران پناه برده بود، افزود: با انجام اقدامات اطلاعاتی و پلیسی مشخص شد مرد شیدار برای سرکشی از خانواده خود به پاسارگاد مراجعه کرده است.

وی ادامه داد: بلافاصله با هماهنگی قضایی مرد تبهکار در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر شد و در تحقیقات به کلاهبرداری میلیاردی از ۱۰ این مرد بیان کرد: وی با رانندازی یک دفتر واگذاری خودروهای اقساطی و بدون مجوز، اقدام به دریافت پول از ۱۰ زن و مرد کرده و در عین حال در ازای پول‌ها به آنان خودرو تحویل نمی‌داد.

### جوانی که با جرثقیل به خواستگاری رفت

گروه شوک: یک جوان هلندی که می‌خواست با یک جرثقیل به خواستگاری دختر مورد علاقه‌اش برود خانه همسایگان این دختر را خراب کرد. این مرد جوان قصد داشت با بالا رفتن از جرثقیل در مقابل پنجره اتاق دختر مورد علاقه‌اش در شهر ایسلتین بایستد و پس از خواندن شعر از او خواستگاری کند اما از بخت بدش تعادل جرثقیل به هم خورد و با فرود بازوی بلند آن، بام ساختمان متعلق به خانواده دختر و همسایه دیوار به دیوارشان را در هم کوبید. جالب اینکه دختر مورد علاقه مرد جوان علیرغم این حادثه به او جواب مثبت داده است. در این حادثه چند تن هم با فرو ریختن سقف زخمی شده‌اند و بخش وسیعی از هر دو خانه آسیب دیده است. به گفته پلیس محلی جوان خواستگار هنگامی که برای درخواست ازدواج از دختر مورد علاقه‌اش برنامه‌ریزی می‌کرد هرگز تصورش را نمی‌کرد که چنین حادثه‌ای برایش اتفاق بیفتد. این زوج پس از مراسم خواستگاری چنگال‌برانگیز اکنون در پاریس به سر می‌برند و ازدواجشان را جشن گرفته‌اند.



### دختری پشت فرمان اتومبیلش آتش گرفت

**گروه شوک:** دختر جوان آمریکایی هنگام رانندگی با آتش گرفتن اتومبیلش دچار سوختگی شدیدی شد و در بیمارستان جان سپرد.

براساس گزارش پلیس شهر «مفیس» در ایالت می‌سی‌سی‌پی آمریکا، «جسیکا چمبر» ۱۹ ساله در نزدیکی پمپ گاز دچار سوختگی شده است. هم‌زمان با این حادثه مأموران اورژانس و امداد و نجات بلافاصله به محل حادثه اعزام شدند و دختر را با پیکر سوخته به بیمارستان مفیس انتقال دادند، اما شدت جراحات وارد شده حاصل از آتش سوزی به حدی بود که دو ساعت پس از حریق جسیکا در گذشت.

به گزارش پلیس دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه تصویر مردی را نشان می‌دهند که پس از گفت‌وگویی کوتاه با دختر به‌سرعت دور شده و بعد از آن جسیکا،

در کنار یک فروشگاه ایستاده و پس از خرید یک بسته سیگار ناگهان شعله‌های آتش از اتومبیلش زبانه کشیده و دختر پشت فرمان سوخته است.

### پرواز اتومبیل بر روی بام

**گروه شوک:** راننده‌ای با خودروی «بی‌ام‌و» روی بام یک خانه ویلایی پرواز کرد و جنجالی خبری به بار آورد. طبق گزارش پلیس شهر «اسکاندینو» واقع در کالیفرنیا پس از انحراف راننده از روی تپه‌ای بر روی بام ساختمان، راننده و همسرش زخمی سطحی برداشتند و صاحب خانه ویلایی هم با شکایت به پلیس، خواستار رسیدگی جدی به این حادثه شد تا خسارت در یافت کند.